



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

قال النبي صلى الله عليه وآله : "إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ"، خداوند متعال را شکر می کنیم که عمده ی اشتغال ما را در علم فقه که بسیار شریف و مبارک است قرار داده است.

با توفیق پروردگار متعال بحث صلاة را شروع می کنیم، در عبادات کتاب الصلاة و در معاملات کتاب البيع بسیار مهم می باشند و امام رضوان الله علیه فرمودند هرکس این دو کتاب را درست خوانده باشد فقیه و مجتهد می باشد.

بحث را اینگونه آغاز می کنیم که یکی از عبادت‌های بزرگ و مهم در اسلام صلاة است و خداوند متعال نیز در قرآن کریم فرموده : " وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ " ^۱.

چند مطلب در این آیه وجود دارد؛ اول اینکه چرا جن مقدم بر انسان ذکر شده؟ آیت الله طباطبائی اعلى الله مقامه در تفسیر المیزان فرموده چونکه خداوند جن را قبل از انسان آفریده در این آیه نیز قبل از انسان ذکر کرده.

دوم اینکه حرف لام در "لِيعْبُدُونَ" برای غرض است یعنی غرض خداوند متعال این بوده که جن و انس او را عبادت کنند درحالی که بسیاری از جن و انس خداوند

را عبادت نمی کنند و این تخلف از غرض خداست، صاحب تفسیر برهان که یک تفسیر روایی و بسیار عالی است در جلد هفتم در جواب از اشکال مذکور چند روایت ذکر کرده که بنده خلاصه آنها را عرض می کنم، ابو بصیر همین سوال را از امام صادق علیه السلام پرسیده و حضرت در جوابش فرمودند "خَلَقَهُمْ لِأَمْرِهِمْ بِالْعِبَادَةِ كَمَا أَمَرَهُمْ بِالصَّدَقِ وَالْعَدَالَةِ" یعنی خداوند متعال جن و انس را خلق کرده تا امر به عبادت کند.

آیت الله طباطبائی اعلى الله مقامه در جلد ۱۷ از تفسیر المیزان جواب دیگری داده و فرموده لام در "الجن" و "الانس" برای استغراق نیست تا اینکه کل فرد را شامل شود بلکه برای جنس است و شامل طبیعت می شود یعنی جنس و طبیعت جن و انس چنین تکلیفی دارند و حالا اگر بعضی از آنها خدا را عبادت نکنند منافاتی با آیه شریفه و غرض خداوند متعال ندارد، ایشان ظاهر آیه را أخذ کرده اند ولی خب ما روایاتی داریم که آیه شریفه را اینطور تفسیر کرده اند که "خَلَقَهُمْ لِأَمْرِهِمْ بِالْعِبَادَةِ كَمَا أَمَرَهُمْ بِالصَّدَقِ وَالْعَدَالَةِ".

خب و اما کتابهای بسیاری در فقه داریم ولی خب جواهر معیار ما در بحثمان خواهد بود، صاحب جواهر بحث را اینطور آغاز کرده که : « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْغُرِّ (جمع أعر و به معنای سفیدی چهره می باشد به حضرت امیر علیه السلام نیز می گوئیم؛ قائد غر المحجلین یعنی رهبر کسانی که چهره سفید و نورانی دارند) الميامین (جمع میمون مثل مشاهر که جمع مشهور است)، الذین بهم أرجو من ربی الکریم الرحمن

^۱ سوره زاریات، آیه ۵۶.

یعدل الصلاة ، فمن ثمة نادى الملائكة زكريا "وَهُوَ قائمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ" وإذا قام المصلي إلى الصلاة نزلت عليه الرحمة من أعنان السماء إلى أعنان الأرض ، وحفت به الملائكة ، وناداه ملك لو يعلم هذا المصلي ما في الصلاة ما انفتل إلى غير ذلك مما ورد فيها مما لا يحصى عدده ، كخبر الشامة وغيره.^۳

اخبار زيادی داریم که صاحب جواهر به یک نمونه یعنی خبر شامة اشاره کرده.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

الرحيم العليم الحكيم الإعانة على إتمام كتاب أحكام الصلاة التي "تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ"^۲ (در قران كريم ۶۷ مرتبه كلمه صلاة ذكر شده كه ايشان فقط همين يك مورد را ذكر کرده) وبها تطفأ النيران وقربان كل تقي ومعراج كل مؤمن نقي ، وتغسل الذنوب كما يغسل النهر الجاري درن الجسد ، وتكرارها كل يوم خمسا كتكراره ، وأوصى الله بها المسيح ما دام حيا وغيره من الرسل بل هي أصل الإسلام وخير العمل وخير موضوع والميزان والمعيار لسائر أعمال الأنام ، فمن وفى بها استوفى أجر الجميع وقبلت منه كلها فهي حينئذ للأعمال بل للدين كالعمود للفسطاط ولذا كانت أول ما يحاسب به العبد وينظر فيه من عمله ، فإذا قبلت منه نظر في سائر عمله وقبل منه ، وإذا ردت لم ينظر في باقي عمله ورد عليه فلا غرو لو سمي تاركها من الكافرين ، بل هو كذلك لو كان الداعي له الاستخفاف بالدين وهي التي لم يعرف الصادق عليه السلام شيئا مما يتقرب به ويحبه الله تعالى بعد المعرفة أفضل منها بل قال عليه السلام : "هذه الصلوات الخمس المفروضات من أقامهن وحافظ على مواقيتهن لقي الله يوم القيامة وله عنده عهد يدخل به الجنة ، ومن لم يصلهن لمواقيتهن ولم يحافظ عليهن فذلك لله ، إن شاء غفر له وإن شاء عذبه" ، وصلاة فريضة خير من عشرين حجة ، كل حجة خير من بيت مملو ذهباً يتصدق منه حتى يفنى بل صلاة فريضة أفضل من ألف حجة كل حجة أفضل من الدنيا وما فيها وإن طاعة الله خدمته في الأرض ، وليس شيء من خدمته

^۳ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۷، ص ۲، ط ۴۳ جلدی.

^۲ سورة عنكبوت، آیه ۴۴.